

بررسی ویژگی‌های ادب غنایی در سروده‌های

فاضل نظری

دکتر اسماعیل اسلامی^۱

چکیده

یکی از انواع اصلی ادبیات، ادب غنایی است که از لحاظ محدودهٔ مضمون، وسیع است. در این نوع ادبی، آنچه در درون گوینده یا سراینده، اتفاق می‌افتد همچون شادی و اندوه، الم و لذت، سختی و آسایش، پیری و جوانی، و هرگونه هیجان ناشی از حس درونی و باطنی وی به‌وضوح دیده می‌شود. در حوزهٔ ادبیات فارسی شاعران بسیاری به سرودن شعر غنایی پرداخته‌اند. فاضل نظری از این شاعران است؛ به همین دلیل در این پژوهش سعی بر این است که ویژگی‌های صوری و محتوایی ادبیات غنایی در اشعار فاضل نظری بررسی شود. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از شیوهٔ مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است و هدف آن دست یافتن به مهم‌ترین ویژگی‌های صوری و محتوایی مضامین غنایی در اشعار فاضل نظری است. نتیجهٔ بررسی‌ها نشان می‌دهد که عشق و مضامین وابسته به آن مهم‌ترین مضامین ادب غنایی در اشعار فاضل نظری است و زبان ساده، واژگان و ترکیبات غنایی، تشبیهات و استعارات غنایی مهم‌ترین ویژگی‌های صوری و زبانی اشعار فاضل نظری به شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: ادب غنایی، مضامین غنایی، زبان غنایی، ادبیات منظوم، فاضل نظری.

۱. استادیار، گروه زبان و ادبیات عرب، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.

مقدمه

ادب غنایی اشعاری را در بر می‌گیرد که در آن عواطف و احساسات سراینده دخیل است. در این نوع ادبی، به شرح انگیزه‌های درونی مانند شادی و غم، درد و لذت، وصف جوانی و پیری، آسایش و سختی زندگی و یا هرگونه هیجانی که سرچشمه آن احساسات درونی و باطنی گوینده است پرداخته می‌شود؛ بنابراین این نوع ادبی درونگرا است؛ چراکه بیان‌کننده مسائل درونی شخص است. زبان این نوع ادبی نرم و لطیف است که با استفاده از معنی باریک، به توصیف احساسات درونی می‌پردازد. این زبان ممکن است توصیف غم و یا شادی باشد. فاضل نظری از غزلسرایان معاصر است که با وجود گرایش به شیوه‌های کهن سرایش غزل، روایتی تازه از غزل کهن فارسی را با سبک و وزن غزل‌های حافظ شیرازی و صائب تبریزی، با استفاده از صنایع بلاغی و آرایه‌های امروزی ارائه می‌دهد. در این پژوهش ویژگی‌های صوری و محتوایی ادب غنایی در شعر این شاعر برجسته معاصر بررسی می‌شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با این پژوهش عبارت‌اند از: «تحلیل بلاغی حوزه‌های تصویری شعر فاضل نظری» (۱۳۹۸)، مقاله محبوبه همتیان و افسانه غفوری که نویسندگان تصاویر شعری فاضل نظری و عناصری که شاعر برای ساختن این تصاویر به کار گرفته است، بررسی و حوزه‌ها و مضامین مختلف شعر او را از لحاظ بلاغی تحلیل نمودند؛ «سنت‌گرایی و سنت‌گریزی در غزلیات فاضل نظری» (۱۳۹۸)، مقاله برات محمدی و مریم حداد خانشان که نویسندگان به این دلیل که فاضل نظری توانسته یک تلفیق آسان میان غزل سنتی و نو ایجاد کند، چهار مجموعه شعر او را با توجه به مسأله سنت‌گرایی و سنت‌گریزی بررسی نمودند. در پژوهش حاضر ویژگی‌های محتوایی و صوری ادب غنایی در اشعار فاضل نظری بررسی شده است، به همین دلیل پژوهش حاضر کاری نو و با تحقیقات یاد شده، متفاوت است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار یادداشت‌برداری انجام شده است.

مبانی پژوهش

ادبیات غنایی

ادبیات غنایی به شرح احساسات و عواطف انسانی می‌پردازد. در این نوع ادبی، به شرح انگیزه‌های درونی مانند شادی و غم، درد و لذت، وصف جوانی و پیری، آسایش و سختی زندگی و یا هرگونه هیجانی که سرچشمه آن احساسات درونی و باطنی گوینده است؛ بنابراین این نوع ادبی درونگرا است؛ چراکه بیان‌کننده مسائل درونی شخص است. زبان این نوع ادبی نرم و لطیف است که با استفاده از معنی باریک به توصیف احساسات درونی می‌پردازد. «بدین صورت که شاعر یا نویسنده از پنجره فکر و زبان و حس درونی خویش به شرح وقایع و اتفاقات می‌نگرد این نوع شعر دارای اهدافی است که مهم‌ترین هدف آن توصیف عواطف و همچنین نفسانیات نوع بشر می‌باشد.» (ذوالفقاری، ۱۳۷۴: ۳) به نظر رزمجو اشعار عاشقانه، عرفانی، دینی، حتی هجو و مدح و توصیف طبیعت که درون‌مایه‌های سروده‌های فارسی به شمار می‌آیند، مصادیق شعر غنایی هستند و احساسات انسانی مانند: عشق و دوستی، رنج و نامرادی و هر چیزی که روح انسان را متأثر می‌کند، تحت تأثیر قرار می‌دهند. (ر.ک: رزمجو، ۱۳۷۴: ۷۶) ویژگی این اشعار کوتاه بودن آنها است. این نوع اشعار در یونان باستان به همراه سازی با نام لیر سروده می‌شدند و به همین دلیل در زبان فرنگی به اشعار غنایی «لیریک» گویند. در این آثار غلبه با کارکرد عاطفی متن است و گویندگان آثار غنایی به اقتضای درونمایه اثر خود از مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی بهره برده‌اند که رنگ و بوی غنایی به آن بخشیده و آن را از متون حماسی و تعلیمی متمایز کرده است. (ر.ک: خدایار و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۲) دوره کمال اشعار غنایی در زبان فارسی از قرن چهارم آغاز می‌شود. در ادب پارسی در کنار قالب غزل، برای بیان مضامین غنایی و عاشقانه، استفاده از مثنوی‌های عاشقانه نیز رواج دارد.

معرفی فاضل نظری

ابوالفضل فاضل نظری در سال ۱۳۵۸ در استان مرکزی، شهرستان خمین دیده به جهان گشود. وی در دانشگاه امام صادق شهر خوانسار شروع به تحصیل نمود و دکتری خود را در رشته مدیریت تولید و عملیات در دانشگاه شهید بهشتی به پایان رساند.

فاضل نظری از دهه هفتاد آغاز کرد. در کارنامه علمی، ادبی و هنری وی می‌توان دبیری علمی جشنواره بین‌المللی شعر فجر، دبیری جشنواره بین‌المللی فیلم صد و عضویت در شورای علمی ادبیات انقلاب و فرهنگستان زبان و ادب، ریاست حوزه هنری استان تهران، عضو شورای عالی شعر مرکز موسیقی را مشاهده نمود. (ر.ک: افراسیاب‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴) از این شاعر، مجموعه شعرهای «آن‌ها»، «اقلیت»، «اکنون»، «ضد»، «کتاب»، «گریه‌های امپراتور» و یک کتاب دیوان اشعار چاپ شده که قالب غزل و سنت‌گرایی مهم‌ترین ویژگی آنهاست. در میان اشعار وی تنها شعر «پرواز» که در مجموعه «اقلیت» قرار دارد، در قالب نو سروده شده است. از فاضل نظری با عنوان «شاعر جریان‌ساز دهه هشتاد» تجلیل شده است و علت آن را باید در ویژگی‌های موجود در شعر او سراغ گرفت و یافت. (ر.ک: فلاح و زارعی، ۱۳۹۴: ۱۹۷)

بحث

ویژگی‌های صوری

ساختار نحوی ساده در زبان غنایی

ساختار نحوی در آثار غنایی ساده است. شاعر حتی اگر نوآوری‌هایی هم داشته باشد، اعم از قاعده‌افزایی و هنجارگریزی، باز هم نحو جملات ساده است و در آن پیچیدگی و ابهام جایگاه چندانی ندارد.

گروه‌های اسمی و ردیف زیاد است. (ر.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۵۹) افعال بیشتر لازمند. (ر.ک: جواری، ۱۳۸۳: ۱۳۹) جملات طولانی و مرکب زیادی در زبان دیده می‌شود. فعل اغلب در آخر جمله می‌آید. فاضل نظری در اشعار غنایی خود اغلب جملات ساده به کار می‌گیرد و تا حد

ممکن از ابهام و پیچیدگی می‌پرهیزد. این سادگی نحوی در اشعار وی کاملاً مشهود است. فاضل نظری بیشتر افعال اسنادی (=ربطی) استن، شدن و بودن را به کار می‌برد: هست و نیست (۱۳۹۲ب: ۵۵)، است (۱۳۹۴: ۱۹)، باشم (۱۳۹۲ب: ۲۵) شده ست (۱۳۹۳: ۳۹)، باد (۱۳۹۲الف: ۴۱) و... در شعر وی بسامد افعال لازم زیاد است: فعل نیامد (۱۳۹۴: ۱۱۱)، برگشت (همان: ۶۱)، پیوستن و نرسیدن (۱۳۹۲الف: ۳۹)، صبر کن و می‌ایستم (۱۳۹۲ب: ۵۵)، گریختن (۱۳۹۴: ۱۳)، به هم می‌ریزد (۱۳۹۳: ۱۷)، می‌گرید، آمد، بگذرد (۱۳۹۵: ۷۵)، خندید و نیامد (۱۳۹۴: ۵۳)، آمد (۱۳۹۵: ۷۵)، می‌رسم، طرد می‌شوم، بیایم (۱۳۹۳: ۲۱).
فعل اغلب در آخر جمله می‌آید: شوم، غرق کرد، گرفت (۱۳۹۳: ۲۷)، به هم می‌ریزد (۱۳۹۳: ۱۷)، شکفت و دارد (۱۳۹۲الف: ۵۷)، دویدم و سرزنشم کن (۱۳۹۴: ۴۷)، نمی‌شود و شده است (۱۳۹۳: ۳۳). نیست و دست نگه دار (۱۳۹۴: ۷۵)، نیست و می‌زیستم (۱۳۹۴: ۴۳)، هست، نیست و می‌شود (۱۳۹۲ب: ۳۷).

استفاده از واژگان و ترکیبات غنایی

فاضل نظری با بهره گرفتن از واژگان و ترکیبات متناسب با ادب غنایی، احساسات و پیام‌های خود را به مخاطب منتقل نماید. این کلمات و ترکیبات فراوان هستند که نمونه‌هایی از اشعار شاعر آورده می‌شود. مثلاً واژه عشق در نمونه زیر:

هم دعا کن گره از کار تو بگشاید عشق هم دعا کن گره تازه نیفزاید عشق!

(نظری، ۱۳۹۲الف: ۳۹)

اشک و آتش و سوختن (۱۳۹۴: ۱۱۱)، شمع و پروانه و عشق (۱۳۹۲الف: ۳۹)، عشق و تنهایی و رسوایی و بی‌مهری و آزار (۱۳۹۴: ۲۹)، عشق، نفرت، شوق، بیزاری، تمنا و آغوش (۱۳۹۴: ۷۳)، لب و بوسه و جام و شراب (۱۳۹۳: ۵۹)، زلف و دلبران (۱۳۹۲الف: ۱۳)
غیر از واژگان، ترکیبات غنایی فراوانی نیز در اشعار فاضل نظری دیده می‌شود. ترکیباتی مانند: آتشِ عشق (۱۳۹۲ب: ۳۵)، آتشِ مهر (۱۳۹۵: ۳۳)، غمِ عشق (۱۳۹۳: ۷۵)، غیرتِ عشق (۱۳۹۲الف: ۳۳)

(۲۵)، محکِ عشق (۱۳۹۲: ۲۹)، مشقِ غمِ عشق (۱۳۹۲: ۳۵)، بوسهٔ وصل (۱۳۹۵: ۸۳)، چشمِ فریبنده (۱۳۹۵: ۱۱)، دامِ زلف (۱۳۹۲: ۲۷).

جملات سؤالی زیاد، بدون درخواست جواب

شاعر لیریک در تلاش است تا از عباراتی استفاده کند که بیشتر پرسشی هستند؛ مانند لامارتین که او نیز از این روش استفاده می‌نمود. (ر.ک: جواری، ۱۳۸۳: ۱۳۵) با مطالعهٔ آثار غیرغنایی متوجه می‌شویم که تعداد سؤالات در این حوزه اندک بوده و برخی از شاعران نیز مانند ناصر خسرو به پرسش‌های خود پاسخ داده و عده‌ای دیگر نیز پاسخ سؤالات خود را از مخاطب خواسته‌اند. اما آنچه که در شعر غنایی بارز است تعداد بالای سؤالاتی است که احساس نیاز به جواب در آنها نیست، به‌ویژه که پاسخ‌ها از طرف مقابل باشد و اغلب استفهام، در اغراضی که غیرسؤالی هستند کاربرد دارد که این نوع بیشتر جنبهٔ بلاغی دارد. در اشعار فاضل این ویژگی فراوان دیده می‌شود:

گاه تنها یک پرسش در بیت دیده می‌شود:

ماهیان روی خاک و ماهیان روی آب وقت مردن، ساحل و دریا چه فرقی می‌کند؟

کی به انداختن سنگ پیاپی در آب (نظری، ۱۳۹۴: ۱۱)

ماه را می‌شود از حافظهٔ آب گرفت؟

(همان، ۱۳۹۳: ۲۷)

(۱۳۹۴: ۴۵)، (۱۳۹۲ الف: ۲۹)، (۱۳۹۳: ۹)، (۱۳۹۵: ۲۱)، (۱۳۹۳: ۷۵)، (۱۳۹۲: ۴۹)،

(۱۳۹۲: ۳۳)، (۱۳۹۲ الف: ۸۱)، (۱۳۹۲ الف: ۴۳) و... گاه در یک بیت چندین جمله پرسشی

وجود دارد که البته بسامد این نوع، از ابیات تک‌پرسشی کمتر است:

چرا ای مرگ می‌خندی؟ نه می‌خوانی؟ نه می‌بندی؟

کتابی را که از خون جگر شیرازه می‌گیرد

(نظری، ۱۳۹۲ الف: ۵۹)

در آن‌ها: ۲۹، ۲۳، ۱۳ و اقلیت: ۷۷ نیز پرسش‌های بدون جواب دیده می‌شود.

تشبیه

یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه‌ها در علم بیان آرایه تشبیه است. به عقیده رجایی این آرایه از عناصر اصلی تصویرگری و اشتراک در توصیفی از اوصاف از طریق واژگان خاصی می‌باشد. (ر.ک: رجایی، ۱۳۷۲: ۲۴۴) در اشعار فاضل نظری با تشبیهات فراوانی برخورد می‌کنیم که رنگ و بوی غنایی دارند؛

مانند تشبیه بلیغ شب به گیسو (آن‌ها: ۶۵)، تشبیه بلیغ غنچه لب و تشبیه معشوق به ماهی (۱۳۹۲: ۶)، تشبیه مرکب تخته‌سنگی که زیر پای آبشار می‌شکند، به شانه‌ای که تحمل تاب زلف محبوب را ندارد (۱۳۹۲ الف: ۴)، تشبیه مضمهر معشوق به ماه (۱۳۹۲: ۸)، تشبیه مضمهر معشوق به راهزن و قلب به کاروان (۱۳۹۲: ۱۱)، تشبیه مضمهر زلف به حلقه‌های زنجیر (۱۳۹۲: ۱۲) و.... البته گاه در سروده‌های این شاعر با تشبیهاتی نو و ابتکاری برخورد می‌کنیم. مانند تشبیه من و تو به گل‌های پژمرده در میان کتاب.

من و توایم دو پژمرده گل میان کتاب
من و توایم دو دلسته از قدیم به هم
(نظری، ۱۳۹۳: ۶۵)

در بیت زیر چند تشبیه دیده می‌شود. زلف تو و عمر من به راه دراز تشبیه شده است. و چشم تو و حال من به روز سیاه مانند شده است که هر دو تشبیه جدید است.
زلف تو و عمر من؟ چه راه درازی!
چشم تو و حال من؟ چه روز سیاهی

(نظری، ۱۳۹۲ الف: ۷۷)

تشبیه جمع تو به هیزم سنگین و باغ سبک از دیگر نوآوری‌های شاعر در زمینه تشبیه است (۱۳۹۲: ۴۵). فاضل نظری در تشبیه مضمهر زیر نسبت من (= شاعر) به تو (= معشوق) را به نسبت دروغ به قسم تشبیه کرده است که این تشبیه از ابداعات شاعر است (۱۳۹۵: ۴۵). همچنین است تشبیه خاطره به خاکستر (۱۳۹۲: ۴۵)، یا تشبیه مفصل بیم فرو ریختن از نبودن معشوق، به شهری که بر روی گسل زلزله قرار گرفته است (۱۳۹۳: ۱).

استعاره

فاضل نظری با آگاهی از جایگاه استعاره در شعر، این صنعت را به کار می‌برد. وی شوق و عطش رسیدن به معشوق را با استعاره آتش نشان می‌دهد (۱۳۹۳: ۲)، ماه استعاره از یار، نفس استعاره از شاعر (۱۳۹۳: ۱۳)، گل استعاره از محبوب (۱۳۹۲ الف: ۴). یوسف استعاره از یار و محبوب (۱۳۹۴: ۳۶) دیگر استعارات وی به شمار می‌آید. فاضل نظری به همین استعارات کلاسیک بسنده نمی‌کند و استعاره‌های جدیدی خلق می‌کند، مانند مسافرخانه رنج و تبعیدگاه که استعاره از این دنیا است:

به تنهایی گرفتارند مستی بی‌پناه اینجا مسافرخانه رنج یا تبعیدگاه اینجا

(نظری، ۱۳۹۲: ۴۵)

شاعر در ترکیب عشق سنگدل، عشق را به انسانی تشبیه کرده که سنگدلی صفت وی است (۱۳۹۴: ۷۱)، برف پیری استعاره از موهای سفیدشده بر اثر کهولت سن است (۱۳۹۲: ۱۱). هر-چند در ادب فارسی موی سفید را به برف تشبیه کرده‌اند، ولی ترکیب برف پیری ابتکار این شاعر است. شاعر در بیتی برای خاطرات، فعل مردن را که ویژه جانواران و انسان است به کار برده است. استعاره‌ای تبعیه در معنی فراموش کردن خاطرات. شاعر با هنجارشکنی در این استعاره معنا و مفهومی نو را بیان نموده است. در بیتی گل سرخ به انسانی مانند شده که نفرین می‌کند. بنابراین استعاره مکنیه است (۱۳۹۴: ۹۹). در نمونه‌ای خلاقانه سنگی سر خود را به سنگ دیگر می‌زند (۱۳۹۴: ۵۱). یکی از شگردهای خلاقانه فاضل نظری مناداهای استعاری است. شاعر در خطاب به معشوق او را همه‌مۀ نام، خلوت اوهام، ماه دل افروز و شاه سیه‌فام خطاب می‌کند:

ای همه‌مۀ نام! ای خلوت اوهام! ای ماه دل افروز! ای شاه سیه فام!

(نظری، ۱۳۹۲: ۴۵)

کنایه

از ابداعات و نوآوری‌های فاضل نظری در این آرایه می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: «ماهیان زیر خاک و ماهیان روی آب» کنایه از مردگان (۱۳۹۴: ۱۱)، اصطلاح مستطیلی از خاک کنایه است

از قبر که به شکل مستطیل است (۱۳۹۴: ۱۱). ضمن اینکه در این نمونه شاعر با استفاده از علم ریاضی شعرش را برجسته نموده است. «در چشم دیگران نشستن» به معنی کنایی مورد توجه دیگران قرار گرفتن به کار رفته است (۱۳۹۴: ۸۳). از نکات جالب و برجسته کنایه در اشعار فاضل، این است که در یک بیت چند کنایه به کار برده است. به عنوان مثال در بیت زیر دو کنایه دیده می‌شود: «چشم پوشیدن» کنایه از «نادیده گرفتن» است و «دست شستن از کسی» کنایه از «مأیوس شدن از او» است.

اکنون ز تو با ناامیدی چشم می‌پوشم
اکنون ز من با بی‌وفایی دست می‌شویی
(نظری، ۱۳۹۳: ۱۳)

مجاز

مجاز در اشعار فاضل نظری از ابزار صور خیال است. در این بخش به نمونه‌هایی مجازهایی که در اشعار وی به کار رفته، اشاره می‌شود: گل خشک مجاز از انسان است با علاقهٔ ماکان (۱۳۹۲: ب: ۵۳). سنگ با علاقهٔ جنس مجاز از قبر است (۱۳۹۳: ۷۷)، صبح به علاقهٔ مجاورت مجاز از خورشید است (۱۳۹۳: ۸۳)، مشت با علاقهٔ سبب و مسبب مجاز از قدرت است (۱۳۹۲: الف: ۵۳ و ۱۳۹۲: ب: ۶)، خاک و آب با ذکر جزء و ارادهٔ کل مجاز از خشکی و دریا هستند (۱۳۹۴: ۱۱)، دم با علاقهٔ آلیت مجاز از نفس است (۱۳۹۳: ۷۵).

تشخیص

در این آرایه شاعر برای آنکه تصاویر شعری خود را زنده و پویا در ذهن خواننده القا کند، از همهٔ عناصر طبیعت استفاده کرده و در برخورد با این عناصر واکنش‌هایی نشان می‌دهد. (کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۳۹) نمونه‌هایی از صنعت تشخیص در اشعار فاضل نظری که جزء نوآوری‌های شاعر به شمار می‌آید، ذکر می‌شود:

تا دل پرهیزکارم را ببینم توبه‌کار
با شعف خود را در آغوش گناه انداختم
(نظری، ۱۳۹۴: ۳۳)

شاعر در مصراع اول دل را به انسانی مانند کرده که پرهیزگار است و در مصراع دوم، گناه را انسانی تصور کرده و برای وی آغوش در نظر گرفته است. شاعر عشق را به انسان مانند کرده و برای وی صفت نابرداری را به کار برده است (۱۳۹۴: ۳۳). موج به انسانی تشبیه شده که تجربه کسب کرده است (همان: ۶۱). شاعر شهر را به انسانی مانند کرده و آن را مخاطب قرار داده و از او خواسته که آسوده و راحت بخوابد (۱۳۹۳: ۴۵). جام شراب به انسانی تشبیه شده که بر لبانش طعم بوسه داشته است (۱۳۹۵: ۳۲) و در نمونه زیر تشخیص زیبا و خلاقانه شاعر مشاهده می‌شود. هرچند تشخیص برای عشق و مخاطب قرار دادن آن در شعر امری تازه نیست، اما اینکه عشق مانند انسان سر به سر کسی بگذارد، موضوعی نو است.

ما داغدار بوسهٔ وصلیم چون دو شمع

ای کاش عشق سر به سر ما نمی‌گذاشت

(نظری، ۱۳۹۵: ۴۰)

یکی از هنرهای فاضل نظری در تشخیص، خطاب قرار دادن طبیعت و اشیای بی‌جان است؛ بدین‌گونه شاعر ویژگی انسانی را برای آنها متصور می‌شود. شاعر در واقع با این کار آن شیء یا عنصر طبیعت را به انسان مانند می‌کند.

الف) خطاب قرار دادن عناصر طبیعت: ای گل (۱۳۹۳: ۸۳)، ای باد (آن‌ها: ۹۵)، ای ابر (۱۳۹۲: ۹۵) و ای رود (۱۳۹۴: ۵۷)

ب) خطاب قرار دادن اشیا: ای آینه (۱۳۹۴: ۴۷)، ای قایق (۱۳۹۲: ۱۱) و ای کشتی (۱۳۹۴:

۹۹)

هنجارافزایی / قاعده‌افزایی

در بخش قاعده‌افزایی با توازن و تکرارها سرو کار داریم که در اشعار فاضل نظری چنین مواردی یافت می‌شود:

توازن واژگانی (تکرار)

یکی از فنونی که سبب آفرینش زیبایی در شعر است عنصر تکرار می‌باشد که باعث به وجود آمدن موسیقی شعر می‌گردد و از ارکان اصلی در شعر نیز محسوب می‌شود. (وحیدیان کامیار، ۱۳۶۹: ۲۳) گاهی شاعر از تکرارهای لفظی در شعر استفاده می‌کند تا به شعر شور و هیجان بدهد. این کار سبب می‌شود تا وزن و آهنگ شعر افزون گردد و از طرفی بلاغت اشعار نیز بالا می‌رود. (خلیلی جهانتیغ، ۱۳۸۰: ۲۶۲) این عامل در موسیقی و آهنگ شعر نیز تأثیر دارد و باعث افزایش موسیقی کلام می‌شود. در اشعار فاضل نظری تکرار به سه حالت وجود دارد: تکرار واژه، تکرار گروه واژه و تکرار جمله.

تکرار واژه شهر و گروه واژگان آی شهر و از خیابان (۱۳۹۳: ۱۶)، ضمیر «من» (۱۳۹۳: ۱۶)، واژه برادر (۱۳۹۴: ۱۶)، واژه جگر (۱۳۹۲ الف: ۱۶)، فعل بمیریم (۱۳۹۴: ۱۶)، جمله هم دعا کن و واژه عشق (۱۳۹۲ الف: ۳۹)، گروه واژگان اکنون ز من با (۱۳۹۳: ۱۳)، جمله قدم زدم و گروه واژگان ریه‌هایم شد از هوا (۱۳۹۳: ۶۳) و از همه جالب‌تر تکرار واژه تکرار

زمستان نیز رفت، اما بهارانی نمی‌بینیم
بر این تکرار در تکرار پایانی نمی‌بینیم
(نظری، ۱۳۹۲ الف: ۳)

آنچه در تکرارها بسیار جالب توجه است، تکرار با استفاده از ردیف‌های طولانی است تا آنجا که گاه ردیف‌های بلند، بیشتر بیت را در بر می‌گیرد. مانند نمونه‌های زیر:

دلم دریا و دریا از تماشای تو می‌گیرد

دلم دریاست اما از تماشای تو می‌گیرد

(نظری، ۱۳۹۴: ۷۵)

تا آنجا که در مواردی بیت فقط شامل قافیه و ردیف می‌شود:

بی لشکریم حوصله شرح قصه نیست

فرمانبریم حوصله شرح قصه نیست

(همان: ۷۵)

توازن آوایی

توازن آوایی مجموعه تکرارهایی است که در سطح تحلیل آوایی قابلیت بررسی شدن دارند. (صفوی، ۱۳۹۰: ج ۲/ ۱۶۷)

تکرار صامت‌ها

تکرار صامت‌ها همان تکرار حروف است.

- تکرار صامت «ش»

شرک موری بود بر سنگ سیاهی در شبی چشم‌های ما فقط «رنج» تماشا می‌کشند
(نظری، ۱۳۹۲: الف: ۶۳)

- تکرار صامت «س» و «ر»: ای سیب سرخ غلط‌زنان در مسیر رود (۱۳۹۳: ۳۳)

- تکرار صامت «ک»: انگار که یک کوه سفر کرده از این دشت (۱۳۹۲: اب: ۹۳)

- تکرار صامت «م»: جام می‌نزد من آورد و بر آن بوسه زد (۱۳۹۲: الف: ۱۹)

- تکرار صامت‌های «د» و «ه»: آه در آینه تنها کدرت خواهد کرد (۱۳۹۳: ۷۵).

- تکرار صامت «ب»: جام شرابی که طعم بوسه به لب داشت (۱۳۹۵: ۶۷)

تکرار مصوت‌ها

تکرار مصوت‌ها، تکرار حرکات کوتاه فتحه، کسره و ضمه و صداهای بلند و کشیده «آ»، «ای» و «او» را در بر می‌گیرد.

- تکرار مصوت بلند «آ»: واگرد پای نردبان‌ها را به آنها (۱۳۹۲: اب: ۱۵)

- تکرار مصوت‌های بلند «آ» و «ای»: خاطر آیینۀ ما از کسی دلگیر نیست (۱۳۹۲: اب: ۳۹)

- تکرار مصوت‌های بلند «ای»: خلق می‌گویند ابری تیره در پیراهنی ست (۱۳۹۲: الف: ۶۵) و

(۱۳۹۴: ۱۱)

- تکرار مصوت کوتاه «م»: نه در آیینۀ فهم است، نه در شیشه وهم (۱۳۹۲: الف: ۸۳) نیز (۱۳۹۴: ۳۹)

(۳۹)

استفاده از واژگان و ترکیبات غنایی

ویژگی‌های محتوایی

احساسی و عاطفی بودن

عاطفه و احساس زمینه‌درونی و معنوی شعر و عنصر اصلی و بسیار مهمی در پدید آمدن یک اثر ادبی مطلوب است؛ زیرا سبب جاودانگی اثر می‌شود؛ به همین دلیل در یک متن ادبی بیش از دیگر عناصر به چشم می‌خورد. «منظور از عاطفه حالت اندوه و شادی، یأس و امید، ترس و خشم، حیرت و اعجابی است که حوادث عینی یا ذهنی، در ذهن ایجاد می‌کند و تأثر ناشی از عاطفه، تجربه نامیده می‌شود. هدف و تلاش شاعر در شعر این است که این تجربه را به دیگران هم منتقل کند و آنها را در این احساس شریک گرداند.» (صهبا، ۱۳۸۴: ۱۰۳) شفیعی کدکنی در کتاب صور خیال در تعریف عاطفه می‌نویسد: «اندوه یا حالت حماسی یا اعجابی است که شاعر از رویداد حادثه‌ای در شعر خویش احساس می‌کند و از خواننده یا شنونده می‌خواهد که با وی مشارکت داشته باشد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۲۴)

رابطه‌ای مستقیم بین شعر، عواطف و احساسات وجود دارد به گونه‌ای که هرچقدر عاطفه شاعری عمیق‌تر بوده و احساسات وی از لطافت بیشتری برخوردار باشد، شعریت شعر بیشتر نمود یافته و سخنان شاعر نافذ و دلنشین می‌شود. عاطفه یکی از مشخصه‌های زبان شعری فاضل نظری است. شاعر غم و اندوه خود را در ابیات زیر به نمایش می‌گذارد:

من آسمان پر از ابرهای دلگیرم
اگر تو دلخوری از من، من از خودم سیرم
(نظری، ۱۳۹۲: ب: ۱۲)

هرگاه یک نگاه به بیگانه می‌کنی
خون مرا دوباره به پیمان می‌کنی
(همان، ۱۳۹۴: ۳۱)

در این بیت شاعر غیرت و رشک خود را از نگاه معشوق به بیگانه و غیر به تصویر می‌کشد. وی در غزلی با مطلع زیر، ضمن تشبیه خودش و معشوق به یاکریم، به توصیف حالات عاشقانه میان خودشان می‌پردازد:

چنان‌که از قفس هم دو یاکریم به هم از آن دو پنجره ما خیره می‌شدیم به هم

(نظری، ۱۳۹۳: ۲۹)

وجود عاطفه در انسان است که سبب سرودن شعر می‌شود و شاعر به این طریق احساسات خود را به خواننده منتقل می‌کند. هرچه سطح عاطفی سروده‌ای بیشتر باشد میزان، اثرگذاری آن بر مخاطب بیشتر خواهد شد.

عاشقانه / عارفانه بودن

ادبیات غنایی معانی دیگری نیز دارد که یکی از آنها اشعار عاشقانه می‌باشد. شعر غنایی حول احساسات و عالم روحانی آدمی سیر می‌کند و در وهلهٔ شدید آن به عشق و تعلق خاطر انسان باز می‌گردد. جلوهٔ قدرتمندترین و ظریف‌ترین احساسات را در کلمه و معنی عشق و آثار عاشقانه می‌توان جست‌وجو نمود. مؤلفه‌ای که طبیعت و خاطر انسان را برانگیزاند، می‌تواند خالق زیباترین لحظات شادی و نشاط و حتی گاهی بسیار غم‌انگیز باشد. یکی از مفاهیم اصلی و کانونی در ادبیات غنایی جهان نوسان عشق بین شادی و غم است. چنانچه مرتضوی گفته عشق عالی‌ترین وسیله برای تلطیف و تطهیر روح بشر است. (ر.ک: مرتضوی، ۱۳۶۵: ۴۰۳) و شاعران از عشق به‌عنوان معشوقی والاگهر یاد کرده‌اند. این مورد به‌آسانی در مناجات و اوراد بسیاری قابل‌مشاهده است که اگر به‌جای خالق، معشوق را قرار دهیم در معنا خللی به وجود نخواهد آمد و از همین روست که شاکله و بنیان ادبیات عرفانی نیز ادبیات غنایی است.

عشق خمیرمایهٔ فطرت و نهاد بشر است. شکوه و عظمت آدمی در گرو عقل و عشق است. عشق بالاترین بن‌مایهٔ هستی، زیباترین جلوهٔ جمال حق و کلیدی‌ترین عنصر در عرفان است. (ر.ک: ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۰: ۴۰) عشق از نظر فاضل نظری اساس هستی است. این عشق دیده را سیر می‌کند و جان را سیراب و نگاهی زیبا و بصیرت‌بین به انسان می‌دهد. حتی معشوق زمینی در عشق عرفانی، آینهٔ جمال و کمال معشوق روحانی و آسمانی می‌شود. عارف عاشق همیشه در مقابل معشوق ازلی و اراده و خواست او سر تسلیم فرود می‌آورد و دائم به خواست وی رفتار می‌کند؛

همانند گویی که در خم چوگان اسیر و بی‌اراده و اختیار است، انسان عاشق و عارف نیز بنده اراده و خواست محبوب است. در اشعار فراوانی از فاضل به مناسبت کلام می‌توان عشق را زمینی و مادی را دید و آن را به علاقه دو انسان به یکدیگر تعبیر کرد. البته عشق با این مفهوم، به‌ویژه در مجموعه «ضد»، بیشتر به گذشته شاعر تعلق دارد:

در آتش خیال تو با خود قدم زدم
دوران عاشقی به همین سادگی گذشت

(نظری، ۱۳۹۲: ب: ۶۳)

در این غزل‌ها، معشوق زمینی، همانند معشوقان بی‌وفای کلاسیک، عهد خویش را با شاعر شکسته و او را تنها گذاشته است.

نفرین به وفاداری‌ات ای دوست که با من
پیمان سر پیمان شکنی بستی و رفتی

(همان: ۳۱)

این بی‌وفایی‌ها، جفاها و آزارهای معشوق کار به آنجا می‌رساند که بود و نبودش برای شاعر عذاب‌آور است.

دلم بدون تو غمگین و با تو افسرده است
چه کرده‌ای که ز بود نبودت آزرده است

(همان: ۸۱)

اما مضامین عارفانه هم در اشعار وی یافت می‌شود. به‌عنوان نمونه در بیت زیر سعی می‌کند به یاری عشق به معبود متعالی خود نزدیک شود:

به وصف هیچ‌کسی جز تو دم نخواهم زد
خوشا کسی که اگر شاعر است شاعرِ توست
که گفته است که من شمعِ محفلِ غزلم
به آب و آتش اگر می‌زنم به‌خاطرِ توست

(نظری، ۱۳۹۳: ۴۹)

در بیتی از شاعر مرگ‌طلبی عارفانه دیده می‌شود که تولد دوباره انسان در هستی را موجب می‌شود و به کرات در متون و اشعار عرفانی کلاسیک ما به آن اشاره شده است؛ مرگ اختیاری‌ای که قبل از مرگ اجباری و توسط خود انسان و با دل‌کندن از دل‌بستگی‌های دنیوی رخ می‌دهد. شاعر

در اینجا براساس آموزه‌های عرفانی با مرگ زیستن و از زندگی مردن را توصیه می‌کند. (۱۳۹۲: ۴۵) مضمونی که بارها در متون عرفانی ما به آن اشاره شده است.

به «آه عشق» کاری برتر از اعجاز عیسی کن
من از مرگی سخن گفتم که پیش از مرگ می‌آید
(همان: ۹۷)

وصفی بودن

از عمده مضامینی که در شعر غنایی وجود دارد توصیف طبیعت است که پیوسته در کنار مضامین اصلی و مرکزی شعر غنایی وجود دارد، به گونه‌ای که نام دیگر شعر غنایی را می‌توان توصیفی به شمار آورد. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۳۹) در اشعار وصفی شاعر به چند طریق می‌تواند عالم خارج را توضیح دهد که این عمل یا با واسطه مستقیم و یا با استفاده از ویژگی‌های ظاهری افراد، مناظر طبیعی، فصول سال و اشیا و یا به کمک نیروی خیال و اندیشه، صفات روحی و عاطفی اشخاص را بیان می‌نماید. محسوسات در سرودن اشعار توصیفی از جایگاه خاصی برخوردار هستند، به ویژه در تصویرنگاری شاعر و پیدایش صور خیال او؛ چراکه شاعر توانا به کمک نیروی ذوق و تخیل هر چیزی را مانند صحنه‌های طبیعت و... احساس کند و یا با استفاده از خیال آن تصویر را باز آفرینی کند.

توصیف طبیعت مهم‌ترین عنصر دخیل در خیال شعری فاضل نظری است. در واقع شاعر مانند یک آینه عمل کرده و جلوه‌های مختلف طبیعت را در شعرش منعکس کرده است. جلوه‌های مختلف طبیعت قسمت عمده صور خیال شعر او را تشکیل می‌دهد. اکثر تشبیه‌ها، استعاره‌ها، کنایه‌ها و... که نظری در شعرش خلق کرده است برگرفته از طبیعت و عناصر سازنده آن است. در شعر فاضل نظری عناصر طبیعت بسیار پرکاربرد هستند به طوری که به جرأت می‌توان گفت که هیچ غزلی خالی از طبیعت و اجزایش نیست. مفاهیم پرکاربرد طبیعت بی‌جان در غزل‌های فاضل نظری عبارت‌اند از: دریا، موج، صخره، آسمان، خاک، ساحل، ابر و... حیواناتی مثل: آهو، پلنگ، پروانه، عقاب، ماهی و... گیاهانی مانند: درخت، گل، غنچه، باغ و...

فاضل نظری در بهره‌گیری از طبیعت و عناصر آن از نیروی تخیل به‌خوبی استفاده کرده است و پیوند زنده و پویایی میان انسان و طبیعت با نسبت دادن صفات، لوازم، اعضا و جوارح انسانی به جمادات، نباتات و حیوانات برقرار کرده است.

رود راهی شد به دریا، کوه با اندوه گفت می‌روی اما بدان دریا ز من پایین‌تر است

(نظری، ۱۳۹۴: ۱۰۳)

آهو نگران است بز نیر خطا را صیاد دل از کف شده تا کی به کمینی

(همان: ۵)

ای ابر دلگرفته بی‌آسمان بیا باران بی‌ملاحظه ناگهان بیا

(نظری، ۱۳۹۲: ۶۷)

دید منفی نسبت به جهان و روزگار داشتن

در اکثر ادبیات غنایی نگاهی منفی و ناامیدانه نسبت به جهان و طبیعت و دنیا وجود دارد. ویژگی‌های دنیا در این نوع ادبی مدموم، بی‌وفایی، زشتی و پلیدی است. ولی در آثار حماسی نگاه منفی به دنیا وجود ندارد و تنها صفت مدموم، ناپایداری است؛ زیرا که اگر نگاه منفی در متون حماسی وجود داشته باشد، نبرد پهلوانان معنا نخواهد داشت. (ر.ک: پارساپور، ۱۳۸۳: ۱۹، ۱۰۳) نظامی واژگانی را در خسرو و شیرین به کار برده که به‌صورت مستعارگونه برای دنیا آمده از قبیل سیلاب غم، مار نه سر، هندوی پدرکش و دام گلوپیچ. در اکثر آثار ادبیات غنایی عواطف و حالات روحی شاعر نقش پررنگی دارد و اصل موضوع را طوری بیان می‌کند که خودش می‌خواهد. غم و اندوه بر شادی غلبه دارد و دید شاعر یا نویسنده به جهان، روزگار، دنیا و حتی طبیعت، منفی است. در اشعار فاضل نظری نیز این مضمون یافت می‌شود. شاعر در غزلی با مطلع زیر، دنیا را نکوهش می‌کند و آن را به مسافرخانه رنج و تبعیدگاه تشبیه می‌کند:

به تنهایی گرفتارند مستی بی‌پناه اینجا مسافرخانه رنج است یا تبعیدگاه اینجا

(نظری، ۱۳۹۲: ۸)

در غزلی دنیا را به عرصهٔ جنگ مانند می‌کند (۱۳۹۲ الف: ۳۵) و حتی از بخت گله می‌کند (همان: ۲۳).

فضای غم‌آلود داشتن

با مطالعهٔ آثار ادبیات غنایی به این نکته دست می‌یابیم که در غالب این آثار حس غم نمود بیشتری نسبت به حس شادی و شوق دارد که لازمهٔ فضای غم‌آلودهٔ ادب غنایی است. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۲۵) در آثار ادبیات غنایی جهان نیز با چنین امری مواجهیم؛ چراکه لحظات وصال و شادی نسبت به ایام هجران و جدایی بسیار گذراتر هستند. این فضای غمگین در اکثر غزلیات غنایی مشاهده می‌شود. تنها مورد استثنا در این امر غزلیات عرفانی هستند، مانند غزلیات شمس یا سنایی که غم‌آلوده بودن و سودای عشق در پس پرده‌ای از نیل به وصال پنهان گشته است. غم و اندوه در اشعار فاضل نظری انعکاس گسترده‌ای دارد و سبب تمایل وی به تنهایی شده است. شاعر دچار غم می‌شود (۱۳۹۲ ب: ۴۱)، به خاطر غم خون می‌خورد (۱۳۹۵: ۷۹)، به خاطر عشق دچار غم می‌شود (۱۳۹۵: ۵۹)، غربت سبب اندوه و غم می‌شود (۱۳۹۴: ۱۳)، شاعر به خاطر تنهایی دچار غم می‌شود و از روی غم، گریه سر می‌دهد (۱۳۹۲ ب: ۱۱۱)، اندوه برای وی چیز غریبی نیست (۱۳۹۲ ب: ۹۳)، از تحمل اندوه بسیار به ستوه می‌آید (۱۳۹۳: ۷۱).

درون‌گرایی

پوقتی احساسات و امیال انسان سرکوب شد و پاسخی برای آنها در بیرون از شخصیت وی یافت نشد، بشر به سمت درون‌گرایی رفت و این امر سبب شد تا نوعی از شعر غنایی به نام شعر احساسی و عاطفی خلق شود. (ر.ک: جواری، ۱۳۸۳: ۱۳۶) تفاوت دو شعر حماسی و غنایی از جهت فکری در این امر است که شعر حماسی آرمانی برون‌گرا و شعر غنایی آرمانی درون‌گرا و به اصطلاح سوپژکتیو است؛ چراکه در آن به‌طور معمول مسائل درونی بیان می‌گردد که عمدتاً این مسائل عشق‌گراست و نه عقل‌گرا. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۳۶) در این نوع شعر شاعر در حقیقت

به گونه‌ای از درون‌گرایی روی آورده است. در این نوع دیگر دنیا و امور دنیوی در کانون توجه شاعر قرار ندارد؛ بلکه این گرایش ادبی بیانگر واقعیات درونی شاعر است، بدون اینکه شنونده خود را مد نظر قرار دهد.

با خوانش و بررسی اشعار فاضل نظری می‌توان پی برد که او شاعری درون‌گراست، به‌ویژه زمانی که شاعر صمیمانه با خود سخن می‌گوید و یا درد دل می‌کند و در واقع پس «من» درونی‌اش را رها می‌کند. حال به نمونه‌هایی از درون‌گرایی در اشعار فاضل نظری اشاره می‌شود:

همچون نفس غریب‌ترین آمدن مراست تا می‌رسم به سینه همان دم زیادی‌ام
(نظری، ۱۳۹۳: ۲۱)

می‌رسد و می‌گذرد زندگی آه که هر دم نفسی هست و نیست
(همان، ۱۳۹۴: ۷۷)

دیگر نمونه‌های آن را در (۱۱۳۹۲ الف: ۱۷)، (۱۳۹۴: ۷۹)، (۱۳۹۴: ۲۳)، (۱۳۹۵: ۶۱)، (۱۳۹۳: ۶۱)، (۱۳۹۵: ۲۷)، (۱۳۹۵: ۴۱) می‌توان مشاهده کرد.

نتیجه

مضامین غنایی در اشعار فاضل فراوان است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: عشق، بی‌وفایی، سنگدلی و بی‌رحمی، درماندگی و دل‌شکستگی، غم و شادی، وصل و جدایی، مرگ، بی‌تابی و دلتنگی شاعر، از جان گذشتن، اشک و گریه، می و مستی، بوسه و... فاضل نظری با به کار بردن این مضامین در شعر خود، روحیات، نوع نگرش و اندیشه‌های خاص خود را به نمایش می‌گذارد و پیام خود را به خواننده منتقل می‌سازد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که عاشقانه/ عارفانه بودن، وصفی بودن، دید منفی نسبت به جهان و روزگار داشتن، فضای غم‌آلود داشتن و درون‌گرایی مهم‌ترین ویژگی‌های محتوایی غنایی اشعار فاضل نظری هستند. شاعر در بیان اشعار غنایی از زبان بهره می‌برد و با استفاده از ساختار نحوی ساده، جملات سؤالی زیاد، بدون درخواست جواب، تشبیهات و استعارات به غنای اشعار خود

افزوده است. وی در بخش نحو از زبان ساده‌ای به کار می‌گیرد و از ابهام و پیچیدگی، پرهیز می‌کند و این کار را با کاربرد فراوان افعال اسنادی یا ربطی، افعال لازم و قرار دادن فعل در پایان جمله انجام می‌دهد. همچنین فاضل نظری برای نشان دادن زبان غنایی اشعارش از کلمات و ترکیبات غنایی فراوان بهره می‌گیرد و بدین ترتیب حس و حال درونی خویش را به خوانندگان خود ابراز می‌کند.

منابع و مآخذ

الف) کتاب‌ها

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، دفتر عقل و آیت عشق، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰.
- پارساپور، زهرا، مقایسه زبان حماسی و غنایی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- جرجانی، عبدالقاهر، دلائل الاعجاز فی القرآن، ترجمه و تحشیه سید محمد رادمش، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- جواری، محمدحسین، انواع ادبی، تبریز: انتشارات یاس نبی، ۱۳۸۳.
- ذوالفقاری، حسن، منظومه‌های عاشقانه پارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات نیما، ۱۳۷۴.
- رزم‌جو، حسین، انواع ادبی، چاپ سوم، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، صورخیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۶.
- _____، موسیقی شعر، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۰.
- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، تهران: نشر میترا، ۱۳۸۹.
- مرتضوی، منوچهر، مکتب حافظ، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۵.
- نظری، فاضل، اقلیت، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۲ الف.
- _____، ضد، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۲ ب.
- _____، آن‌ها، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۴.
- _____، گریه‌های امپراتور، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۳.
- _____، کتاب، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۵.

ب) مقالات

افراسیاب پور، علی‌اکبر؛ بهمنی مطلق، یدالله؛ بیدخونی، محمد، «سبک‌شناسی شعر فاضل نظری»، سبک‌شناسی نظم و نثر (بهار ادب)، سال ۱۰، شماره ۴ (پیاپی ۳۸)، صص ۴۴ - ۳۳، ۱۳۹۶.

پورنامداریان، تقی، «انواع ادبی در شعر فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم، سال ۱، شماره ۳، صص ۲۲ - ۷، ۱۳۸۶.

خدایار، غلامحسین؛ حسنی رنجبر، احمد؛ شبیانی اقدم، اشرف، «مطالعه مؤلفه‌های ادبیات غنایی و نقش عاطفی زبان در بافت متنی منظومه گل و نوروز خواجوی کرمانی»، مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، دوره ۱۵، شماره ۵۶، صص ۱۴۳ - ۱۲۱، ۱۴۰۲.

صهبا، فروغ، «مبانی زیبایی‌شناسی شعر»، نشریه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، شماره ۲۳ (پیاپی ۴۴)، صص ۱۰۹ - ۹۰، ۱۳۸۴.

فلاح، غلامعلی؛ زارعی، مهرداد، «هندی‌وارگی در اشعار فاضل نظری»، زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه خوارزمی)، سال ۲۳، شماره ۲۳ (پیاپی ۷۸)، صص ۱۶۶ - ۱۴۵، ۱۳۹۴.

Investigating the features of lyrical literature in Fazel Nazari's poems

Ismail Eslami Ph.D¹

Abstract

One of the main types of literature is lyrical literature, which has a wide range of themes. In this type of literature, what happens inside the speaker or singer, such as joy and sorrow, pain and pleasure, difficulty and comfort, old age and youth, and any excitement caused by his inner and inner feeling, can be clearly seen. In the field of Persian literature, many poets have written lyrical poetry. Fazel Nazari is one of these poets; For this reason, in this research, an attempt is made to examine the formal and content characteristics of lyrical literature in the poems of Fazel Nazari. This research was carried out in a descriptive-analytical way using the method of library studies, and its purpose is to find the most important formal and content features of the lyrical themes in Fazel Nazari's poems. The results of the research show that love and themes related to it are the most important themes of lyrical literature in Fazel Nazari's poems, and simple language, lyrical words and compositions, similes and lyrical metaphors are the most important formal and linguistic features of Fazel Nazari's poems.

Keywords: lyrical literature, lyrical themes, lyrical language, verse literature, Fazel Nazari.

1. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.

Email: Es.Eslami1359@iau.ac.ir